

یکی از مبانی اصلی و کلیدی نواندیشی دینی، اسباب نزول است. دگراندیشان، سکولارها و ... بر دانستن اسباب نزول بسیار تاکید دارند، اسباب نزول را در فهم آیات قرآن بسیار تاثیر گذار می‌دانند و بسیاری از کج فهمی‌ها و بد فهمی‌ها را نتیجه بی توجهی به اسباب نزول آیات می‌خوانند. بر این اساس جابری دگر اندیش برجسته جهان عرب شناخت اسباب نزول آیات را یکی از شرایط اصلی اجتهاد می‌شناسد. (جابری، الحجاب... قول فيه مختلف؛ آیات الحجاب... اسباب النزول و معطیات عصرنا)

به باور این گروه، شماری از احکام اجتماعی، کیفری و اخلاقی قرآن در پرتو اسباب نزول در خور دوباره فهمی هستند و فهمی که از این نگاه مجدد به دست می‌آید، با فهم سنتی همخوان نیست.

دگر اندیشان احکام در خور توجهی از قرآن را در پرتو اسباب نزول به فهم می‌آورند. حجاب به عنوان یکی از احکام اجتماعی قرآن در شمار احکامی است که بسیار مورد توجه دگر اندیشان قرار گرفته است. در نظرگاه دگراندیشان قرائت سنتی از آیات حجاب نتیجه بی توجهی به اسباب نزول و یاری نگرفتن از آنها در فهم آیات وحی است؛ به گونه‌ای که اگر پیشینیان به اسباب نزول توجه داشتند و از آنها در فهم آیات حجاب سود می‌بردند، وجوب حجاب را فریاد نمی‌کردند و حجاب زنان را خواستار نمی‌شدند.

بنابر این شایسته است در این نوشتار مستندات قرآنی حجاب عرضه گردد و فهم دگر اندیشان از این آیات که استوار بر اسباب نزول گشته است گزارش گردد و آن گاه این فهم به نقد و بررسی گذاشته شود و درستی و نادرستی آن آشکار گردد.

در این پژوهش سه آیه از آیات حجاب به بحث گذاشته می‌شود:



آیه نخست: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرَ نَاطِرِينَ إِنَاهُ  
وَلَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَأْنِسِينَ لِحَدِيثٍ إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ يُؤْذَى النَّبِيَّ  
فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ  
أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تُنْكِحُوا زُجَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ  
ذَلِكُمْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا » (احزاب/53)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در خانه‌های پیامبر داخل نشوید مگر به شما برای  
صرف غذا اجازه داده شود، در حالی که (قبل از موعد نیاید و) در انتظار وقت غذا  
نشینید؛ اما هنگامی که دعوت شدید داخل شوید؛ و وقتی غذا خوردید پراکنده شوید،  
و (بعد از صرف غذا) به بحث و صحبت نشینید؛ این عمل، پیامبر را ناراحت می-  
نماید، ولی از شما شرم می‌کند( و چیزی نمی‌گوید)؛ اما خداوند از (بیان) حق شرم  
ندارد و هنگامی که چیزی از وسایل زندگی را (به عنوان عاریت) از آنان (همسران  
پیامبر) می‌خواهید از پشت پرده بخواهید؛ این کار برای پاکی دل‌های شما و آنها بهتر  
است! و شما حق ندارید رسول خدا را آزار دهید، و نه هرگز همسران او را بعد از او به  
همسری خود در آورید که این کار نزد خدا بزرگ است!»

آیه دوم: « يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكِ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ  
أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا » (احزاب/59)

«ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مومنان بگو: جلبابها(روسری‌های بلند) خود  
را بر خویش فرو افکنند، این کار برای این که شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند  
بهتر است؛ خداوند همواره آمرزنده و رحیم است.»

آیه سوم: قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ بَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا  
يَصْنَعُونَ (30)

وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ لَا يَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنَى إِخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولَى الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَ لَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ « (النور/30-31)

« به مومنان بگو چشمهای خود را از نگاه به نامحرمان فرو گیرند و عفاف خود را حفظ کنند این برای آنان پاکیزه‌تر است ؛ خداوند از آن چه انجام می‌دهید آگاه است! و به زنان با ایمان بگو چشمهای خود را از نگاه هوس آلود فرو گیرند ، و دامان خویش را حفظ کنند. و زینت خود را جز آن مقدار که نمایان است آشکار نمایند و اطراف روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند تا گردن و سینه با آن پوشانده شود ) و زینت خود را آشکار نسازند مگر برای شوهرانشان ، یا پدرانشان یا پدر شوهرانشان ، یا پسرانشان یا پسران همسرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنان هم کیششان یا بردگانشان یا افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند و هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانشان دانسته شود.»

سبب نزول آیه نخست

در متون تفسیری شیعه تنها یک سبب نزول برای آیه نخست وجود دارد:

«پیامبر(ص) با زینب دختر جحش ازدواج کرد آن حضرت زینب را دوست می‌داشت. به مناسبت این ازدواج رسول اسلام ولیمه‌ای تدارک دید و عده‌ای را دعوت نمود. مهمانان پس از صرف غذا به گفتگو نشستند. پیامبر که مایل بود با زینب تنها باشد از



این وضعیت ناراحت بود تا این که آیه شریفه فرود آمد. «(قمی، 195/2؛ فیض کاشانی 199/4؛ حویزی، 297/4)

در منابع تفسیری، روایی و تاریخی اهل سنت، آیه یاد شده چند سبب نزول دارد و این اسباب، همسان نیستند:

### 1- طبری می نویسد:

« وقتی پیامبر(ص) با زینب ازدواج کرد، گروهی برای صرف غذا دعوت شدند. مهمانان پس از صرف غذا به گفتگو با یگدیگر پرداختند. توقف بسیار ایشان پیامبر را ناراحت ساخت و آن حضرت به ناچار از منزل بیرون رفتند. پس از مدتی پیامبر به منزل بازگشتند در حالی که آن گروه هنوز نیز سرگرم صحبت بودند در این هنگام آیه نخست فرود آمد و آن گروه به ناچار منزل پیامبر را ترک کردند.» (طبری، 47/22)

### 2. انس می گوید:

« پیامبر(ص) شب زفاف با زینب، ولیمه‌ای از خرما و آرد تهیه دید و گوسفندی ذبح کرد. مادرم - ام سلیم - نیز یک ظرف کوچک سنگی محتوی حیص - خرمایی که با روغن و پنیر ترش شورانیده و آمیخته شده تا هسته آن بیرون آید - برای حضرت فرستاد و پیامبر(ص) به من فرمود: اصحاب را به طعام دعوت کن، من نیز اصحاب را دعوت کردم و ایشان گروه گروه به منزل پیامبر(ص) می آمدند و پس از صرف غذا بیرون می رفتند... اما سه نفر هم چنان در منزل پیامبر(ص) گرم صحبت بودند و علاقه‌ای به ترک منزل نداشتند. پیامبر(ص) از این که آن سه نفر هم چنان در مجلس نشسته بودند ناراحت بود اما حیا داشت عذر ایشان را بخواهد در این هنگام بود که آیه شریفه فرود آمد و پیامبر(ص) میان خویش و من پرده‌ای کشیدند.» (واحدی نیشابوری، 205/)

3. در بعضی منابع آمده است:

« وقتی پیامبر(ص) با زینب ازدواج کرد مردم برای صرف غذا دعوت شدند. مهمانان پس از صرف غذا شروع به سخن گفتن کردند، گروهی خویش را آماده رفتن نشان می‌دادند، اما هم چنان با یکدیگر گفتگو می‌کردند. پیامبر(ص) از منزل بیرون رفت و گروهی که منظور پیامبر(ص) را دریافته بودند منزل را ترک کردند، اما سه نفر هم چنان در منزل ماندند و وقتی پیامبر(ص) به منزل بازگشت و آن سه نفر را دید، دوباره از منزل بیرون رفت، آن گروه نیز ناگزیر از ترک منزل شدند، پس از رفتن ایشان من به دنبال پیامبر(ص) رفتم و خبر رفتن آنها را به آن حضرت رساندم. پیامبر(ص) به سوی منزل حرکت کردند و من نیز ایشان را همراهی می‌کردم وقتی به منزل رسیدیم پیامبر وارد شدند و وقتی من خواستم وارد شوم پیامبر پرده را انداختند و در این هنگام آیه شریفه فرود آمد.» (بخاری، 25/6؛ مسلم نیشابوری، 150/4؛ بیهقی، 87/7؛ ابن حجر، 407/8؛ نسائی، 436/6؛ ابن کثیر، 511/3)

4. در روایت دیگری به نقل از عمر می‌خوانیم:

« به پیامبر(ص) گفتم: آدم‌های بد و خوب بر تو وارد می‌شوند. کاش همسران خود را امر به حجاب می‌کردی. در این هنگام آیه شریفه فرود آمد.» (قرطبی، 224/14؛ ابن کثیر، 175/1؛ شوکانی، 299/4؛ احمد بن حنبل، 23/1)

5. در روایت مجاهد می‌خوانیم:

«پیامبر(ص) روزی با شماری از یاران خویش غذا می‌خورد، عایشه نیز در مجلس حضور داشت به هنگام صرف غذا دست یکی از اصحاب به دست عایشه خورد و پیامبر(ص) از این موضوع ناراحت شد و پس از این آیه، شریفه فرود آمد.» (واحدی نیشابوری، 205/)

6. در سبب نزول دیگری می‌خوانیم:

« عمر همسران پیامبر(ص) را به حجاب امر می‌کرد زینب به عمر اعتراض کرد و آن گاه آیه شریفه فرود آمد.» (ابن جوزی، 212/6)

از میان اسباب نزول یاد شده، اسباب نزولی که در منابع اهل سنت آمده است مورد استفاده دگر اندیشان قرار گرفته است. اما سبب نزولی که در منابع تفسیری و روایی شیعه آمده است مورد بهره برداری قرار نگرفته است و این از آن جهت است که تمامی آنان که در پی عرضه قرائتی نو از آیات حجاب هستند در شمار اهل سنت قرار دارند و این گروه تنها به متون تفسیری و روایی خویش اعتماد می‌کنند.

برای نمونه فاطمه مرنیسی از پذیرش حجاب به عنوان یک حکم شرعی سرباز می‌زند و دلالت آیه شریفه بر حجاب مورد نظر فقها را بر نمی‌تابد. به باور ایشان آویختن پرده توسط پیامبر(ص) که در سبب نزول دوم و سوم آمده است، نشان می‌دهد که حجاب در عبارت «فَسَلُّوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ» (احزاب/53) به معنای ایجاد محلی امن و محفوظ از نگاه دیگران برای زفاف است نه آن چه فقها به عنوان حجاب شرعی می‌شناسند. (مرنیسی، 153-154)

محمد عابد جابری بر خلاف مرنیسی دلالت آیه بر حجاب مورد نظر فقها را می‌پذیرد، اما این حکم را با استناد به چهارمین سبب نزول، خاص همسران پیامبر خوانده و از پذیرش آن به عنوان یک حکم عمومی و کلی سرباز می‌زند. (جابری، الحجاب بین الدین و الموروث الاجتماعي)

محمد سعید عشاوی چون مرنیسی حجاب در آیه شریفه را حجاب اصطلاحی نمی‌شناسد و مانند جابری عمومیت آیه را پذیرا نیست. او حجاب را ویژه همسران پیامبر(ص) می‌خواند و آن را ایجاد حائلی میان همسران پیامبر(ص) و مؤمنان



می‌شناسد به گونه‌ای که با این حجاب همسران پیامبر(ص) اصلاً دیده نشوند.  
(عشماوی، حقیقه الحجاب و حجیه الحدیث)

### سنجش

اسباب نزول یاد شده در صورتی در خور استناد است که درستی سند آن اثبات شود و دلالت آن نیز تمام باشد و دلیل انتخاب هر یک و تقدم بر دیگر اسباب نزول بیان گردد، در صورتی که نه خانم مرنیسی و نه جابری و عشماوی در باره سند و دلالت روایات یاد شده سخن نمی‌گویند.

افزون بر این، دلیل انتخاب این سبب نزول را از میان چند سبب نزول یاد شده عرضه نمی‌دارند و این در حالی است که جابری در مورد پذیرش سبب نزول بسیار سخت گیر است و هر روایتی را به عنوان سبب نزول نمی‌شناسد:

« سبب نزول آیات باید از طریق آنان که شاهد نزول آیات وحی بوده و بر اسباب نزول آیات آگاهی داشته‌اند آن هم با سند معتبر صورت گیرد و احادیثی که از صحابی رسیده مرفوع، و آنچه از تابعین روایت شده به عنوان مرسل معرفی شود.»  
(جابری، الکلام فی اسباب النزول)

افزون بر این، دکتر جابری تمامی اسباب نزول آیات را در شمار روایات احاد قرار می‌دهد و آنها را تنها مفید ظن می‌خواند:

«هی فی نهیة الامر روایات احاد، وأكثرها ظنون وتخمینات.» ( جابری، التعارض والتجدد قائمان فی اشیاء الحیاه، ولیس فی احکام القرآن)

بنابر این چگونه جابری و همفکران او با این نگاه منفی به اسباب نزول آیات از آنها سود می‌برند و بر پایه چنین اسباب نزولی یک نظریه تفسیری بنیان می‌نهند و از نادرستی قرائت دیگران سخن می‌گویند.

### سبب نزول آیه دوم

سبب نزول آیه دوم نیز در منابع اهل سنت و شیعه به دو گونه متفاوت گزارش شده است:

علی بن ابراهیم قمی در سبب نزول آیه می‌نویسد:

« زنان به مسجد می‌رفتند و نماز جماعت را به امامت پیامبر بر پا می‌داشتند. این گروه وقتی برای نماز مغرب، عشاء و صبح به مسجد می‌رفتند در تاریکی کوچه‌ها مورد اذیت و آزار قرار می‌گرفتند به این مناسبت آیه شریفه فرود آمد.» (قمی، 196/2، فیض کاشانی، 203/4، حویزی، 307/4)

شماری از تفسیرگران اهل سنت در سبب نزول آیه دوم می‌نویسند:

« وقتی زنان مدینه، شب هنگام برای قضای حاجت بیرون می‌رفتند جوانان مدینه ایشان را اذیت و آزار می‌دادند به این مناسبت آیه شریفه نازل شد.» (طبری، 58/22؛ واحدی نیشابوری، 245/؛ سیوطی، در المنثور، 221/5)

در برخی دیگر از متون تفسیری و قرآنی اهل سنت، شکل پوشش زنان آزاده و کنیزان، علت اذیت و آزار زنان آزاده معرفی شده است. (نحاس، 377/5)

در روایت سدی نیز همین مضمون آمده است سدی می‌گوید:





«وقتی زنان مدینه برای قضای حاجت بیرون می‌آمدند جوانان مدینه هر زنی را که پوشش داشت آزاده می‌شناختند و زنان بی حجاب را کنیز می‌دانستند و ایشان را اذیت و آزار می‌دادند به این مناسبت آیه شریفه فرود آمد.» ( نیشابوری، 245؛ ابن جوزی، 216/6)

برخی از نواندیشان عرب با استناد به اسباب نزول یاد شده علت حکم به حجاب را تمییز میان زنان آزاده و کنیزان می‌خوانند. برای نمونه محمد عابد جابری می‌گوید:

«علت حکم به حجاب آن است که جوانان و مردان، زنان آزاد را از کنیزان بازشناسند و ایشان را مورد اذیت و آزار قرار ندهند و به ایشان نگاه آلوده نداشته باشند.» ( جابری، الحجاب ... قول فیه مختلف؛ آیات الحجاب ... اسباب النزول و معطیات عصرنا)

افزون بر سبب نزول از عبارت «أَنْ يُعْرَفْنَ» (احزاب/59) و برخورد تند عمر با کنیزان محجبه نیز برای رسیدن به علت حکم به حجاب بهره می‌گیرد.

جابری در نتیجه گیری می‌نویسد:

«علی که تشریح حجاب را موجب شده است از میان رفته است چه این که زنان در عصر جدید برای قضای حاجت از خانه بیرون نمی‌روند، برده داری رخت بر بسته است و برخی از مردان برده و شماری از زنان کنیز خوانده نمی‌شوند و افزون بر این زنان مانند گذشته نیاز به همراهی کنیزان ندارند و مورد اذیت و آزار قرار نمی‌گیرند.» (همان)

و آن گاه با بهره گیری از قاعده حکم دائر مدار علت است و با وجود علت حکم می‌آید و با نبود علت حکم می‌رود، سود برده و می‌گویند:



« بنابر این حجاب در عصر جدید واجب نیست. » (همان)

عبدالفتاح عبدالقادر نیز با بهره گیری از اسباب نزول آیه شریفه به علت حکم به حجاب پل می‌زند. در نگاه او علت حکم به حجاب ایجاد تفاوت میان زنان آزاده مسلمان و کنیزان است.

بنابر این اگر علت حکم ایجاد تفاوت میان این دو گروه می‌باشد و در عصر جدید گروهی از زنان به عنوان کنیز شناخته نمی‌شوند علت حکم خود به خود از میان خواهد رفت و در نتیجه با رفتن علت، حکم نیز که دائر مدار علت است از میان خواهد رفت و این مهم نشان می‌دهد که حجاب یک امر تاریخی است و رعایت آن در تمامی زمان‌ها و مکان‌ها واجب نیست.

نقد و سنجش

اسباب نزول یاد شده در صورتی در خور استناد است که از جهت سند و دلالت مخدوش نباشد.

افزون بر این آن چه دگر اندیشان به عنوان علت حکم می‌شناسند، علت حکم نیست؛<sup>1</sup> بلکه فلسفه حکم است و حکم هیچ گاه دائر مدار فلسفه حکم نیست.

سبب نزول آیه سوم

در متون تفسیری اهل سنت و شیعه سه سبب نزول برای آیه شریفه آمده است:

1. امام باقر(ع) فرمود:

«جوانی از انصار در مسیر خود با زنی روبرو گشت که بر سر روسری بسته بود و اطراف روسری را به پشت گوشه‌هایش انداخته بود و گردن و سینه خود را برهنه گذاشته بود. مرد جوان در حالی که با چشمان خویش زن را دنبال می‌کرد و متوجه جلوی خود نبود وارد کوچه‌ای شد و ناگهان صورتش به دیوار خورد و استخوان یا قطعه شیشه‌ای که بر دیوار بود صورت او را شکافت و چهره او را غرق خون کرد. وقتی جوان خدمت پیامبر رسید و ماجرا را برای آن حضرت تعریف کرد آیه شریفه فرود آمد.» (کلینی، 21/5؛ حرعاملی، 192/20؛ فیض کاشانی، 430/3؛ حویزی، 588/3؛ طباطبایی، 116/15)

2. جابر بن عبدالله روایت می‌کند:

«اسماء دختر مرثد در نخلستان بود. شماری از زنان در حالی که خلاخل، سینه و گیسوان ایشان دیده می‌شد، نزد اسماء آمدند. اسماء گفت: از این زشتر هم ممکن است؟ ، پس در این هنگام آیه «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ» (نور/31) فرود آمد.» (ابن کثیر، 293/3؛ سیوطی، تفسیر الجلالین، 585؛ سیوطی، لباب النقول، 144؛ شوکانی، 26/4)

3. حضرمی روایت می‌کند:

«ان امرأة اتخذت صرتين من فضّه و اتخذت جزعا ، فمرّت علی قوم فضربت برجلها فوق الخلال علی الجزع فأنزل الله «وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ» (سیوطی، لباب النقول فی اسباب النزول، 158-159؛ در المنثور 44/5؛ طبری، 165/18؛ قرطبی، 238/12؛ ابی حیان 36/8؛ آلوسی، 340/9)



سبب نزول دوم عام و کلی است و بخش عمده‌ای از آیه را پوشش می‌دهد و سبب نزول سوم خاص است و ناظر به عبارت «وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ» می‌باشد.

شماری از نواندیشان عرب با بهره‌گیری از اسباب نزول یاد شده قرائتی نو از آیه شریفه عرضه می‌دارند. برای نمونه احمد عقله از دگر اندیشان عرب، استفاده از روسری را عرف و عادت عرب جاهلی می‌خواند به باور او مردان و زنان عصر جاهلی برای در امان ماندن از گرد و غبار و آفتاب شدید، سر و صورت خویش را پوشش می‌دادند و گردن و سینه خویش را برهنه می‌گذاشتند.

عادت عرب جاهلی پس از ظهور اسلام ادامه یافت و زنان مسلمان چون زنان عصر جاهلی گردن و سینه خویش را برهنه می‌گذاشتند تا این که آیه شریفه فرود آمد و زنان مسلمان را به پوشش سینه دعوت کرد.

به باور عقله آیه شریفه تنها دلالت بر وجوب پوشش گردن دارد و پوشش سر و صورت مدلول آیه شریفه نیست که اگر پوشش سر و صورت چون پوشش سینه مطلوب شارع بود شایسته بود فروفرستنده قرآن به صورت صریح و روشن مخاطبان قرآن را به پوشش این قسمت‌ها فرامی‌خواند تا ایشان را از کج روی و تفسیر نویسان را از عرضه خواسته‌های خود به نام مراد خداوند باز دارد.

دکتر محمد شحرور نیز با الهام از اسباب نزول یاد شده، تنها حجاب جیوب را می‌پذیرد و جیوب را سینه و قسمت‌های میانی بدن زن می‌شناسد.

محمد عابد جابری و محمد سعید عثماوی نیز حجاب را یک حکم تاریخی می‌شناسند و از سبب نزول آیه شریفه به علت حکم به حجاب پل می‌زنند.

به باور ایشان تعدیل کیفیت پوشش زنان عصر نزول و ایجاد تفاوت میان زنان آزاده و کنیزان دو علت اصلی وجوب حجاب است و چون این دو علت در عصر جدید وجود ندارد

بنابر این حکم به حجاب نیز وجود نخواهد داشت چه این که حکم دائر مدار علت است با آمدن علت، حکم می‌آید و با رفتن علت، حکم نیز می‌رود.

#### نقد و بررسی

اصلی ترین مستند قرائت‌های فوق اسباب نزول یاد شده است در صورتی که این اسباب نزول از جهاتی چند در خور استناد نیستند:

الف. سبب نزول دوم که مستند اصلی قرائت‌های فوق است در شمار روایات مرسله قرار می‌گیرد (شوکانی، 25/4) و چنین روایتی در خور استناد نیست و نمی‌توان بر پایه آن یک نظریه تفسیری استوار ساخت.

افزون بر این روایت اول نیز که معتبره خوانده می‌شود (خویی/52) مستند این گروه از نواندیشان عرب قرار نگرفته است.

ب. اسباب نزول یاد شده نشان از عرف و عادت زنان عصر نزول ندارد بلکه تنها حکایت از کیفیت پوشش یک یا چند زن دارد و از نوع پوشش چند زن نمی‌توان به عرف و عادت زنان در یک دوره خاص دست یافت که اگر نوع پوشش چند زن نماینگر عرف و عادت زنان آن دوره باشد تعجب اسماء که در قالب سؤال جلوه کرده است بی معنا خواهد بود.



ج. بسیاری از احکام اسلامی در شمار احکام امضایی قرار دارند و احکام امضایی احکامی هستند که شارع تمامی آنها را امضا کرده است یا با اصلاح برخی از آنها بر درستی آنها مهر تأیید زده است.

بنابر این با اصلاح نوع پوششی که در عصر نزول مورد استفاده قرار گرفته است نمی-توان تنها اصلاحات را پذیرا شد و اصل عرف و عادت را منکر گشت و دلالت آیه بر پوشش دیگر قسمت‌های بدن را باور نداشت.

زنان عصر نزول سر خود را با روسری می‌بستند و اطراف روسری خود را به پشت سر می‌افکندند و سینه خود را در پوشش قرار نمی‌دادند وقتی آیه شریفه فوق فرود آمد زنان مسلمان به پوشش سینه فراخوانده شدند چه این که این قسمت از بدن بیش از سر و صورت مردان را تحریک می‌کند چنان که در سبب نزولی که در متون تفسیری شیعه آمده است نگاه آن جوان به آن علت بود که گردن و سینه آن زن پوشش نداشت.

د. بر اساس قواعد علم اصول، هر گاه سبب نزول خاص باشد و آیه عام، ملاک عموم سبب است و نمی‌توان به بهانه خاص بودن سبب از پذیرش عموم آیه سر باز زد و حکم آیه را به زمان و مکان خاصی محدود کرد.

هـ افزون بر این گروه از زنان نماینده جامعه زنان مسلمان عصر پیامبر نیستند چه این که بسیاری از زنان مسلمان پس از نزول آیه شریفه « يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَ بَنَاتِكَ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا » (احزاب/59) خود را در حجاب قرار دادند به خصوص با نظر داشت این نکته که آیه شریفه سوره احزاب در سال پنجم فرود آمده و آیه مورد بحث در سوره نور قرار گرفته است و سوره نور در سال ششم هجری نازل شده است.

به عبارت دیگر معهود زنان عرب پس از نزول آیات سوره احزاب پوشش کامل بوده است بنابر این سبب نزول یاد شده ناسازگار با معهود عرب است و چنان که آقای جابری می‌گوید یکی از ملاک‌های بررسی روایات اسباب نزول سازگاری با معهود عرب است. (جابری، التوافق مع معهود العرب)

پی نوشت

1. علت حکم وجود صفتی در حکم است که با وجود آن حکم پدید می‌آید و با رفتن آن حکم نیز رخت برمی‌بندد در صورتی که تمییز میان زنان آزاده و کنیزان صفت حکم به حجاب نیست.



## منابع و مأخذ

ألوسى، محمود؛ روح المعانى، دار احياء التراث العربى، بيروت.

ابن جوزى؛ زاد المسير فى علم التفسير، دار الفكر، بيروت.

ابن حجر، فتح البارى، دار المعرفة، بيروت.

ابن كثير؛ تفسير ابن كثير، دار المعرفة، بيروت.

ابى حيان؛ البحر المحيط، دار احياء التراث العربى، بيروت.

احمد بن حنبل؛ مسند احمد، دار صادر، بيروت.

بخارى؛ صحيح بخارى، دار الفكر، بيروت.

بيهقى؛ سنن كبرى، دار الفكر، بيروت.

جابرى، محمد عابد؛ التعارض والتجدد قائمان فى أشياء الحياة وليس فى أحكام القرآن

([www.aljabriabed.net/textes](http://www.aljabriabed.net/textes))



-----؛ التوافق مع معهود العرب (www.almothaf.com/index.)

-----؛ الحجاب بين الدين و الموروث الاجتماعى )  
(<http://okda.blogspot.com>)

-----؛ الحجاب... قول فيه مختلف )(<http://anouar.blogspot.com>)

-----؛ الكلام فى أسباب النزول )  
( [www.alarabalyawm.net/pages](http://www.alarabalyawm.net/pages) )

-----؛ آيات الحجاب... اسباب النزول و معطيات عصرنا ( )  
(<http://anouar.blogspot.com>)

حر عاملی، محمد بن الحسن؛ وسائل الشيعة، آل البيت، قم.

خوبی، ابوالقاسم؛ كتاب النكاح، مدرسه دار العلم.

سيوطی، جلال الدين؛ تفسير الجلالين، دار المعرفة، بيروت.

-----؛ در المثور، دار الفكر، بيروت.

-----؛ لباب النقول فى اسباب النزول، دار احياء العلوم، بيروت.

شوكانى، محمد؛ فتح القدير، عالم الكتب.

شيخ حويزى؛ تفسير نورالثقلين، اسماعيليان، قم.

طباطبایى، محمد حسين؛ الميزان، جامعه مدرسين، قم.

طبرى، ابن جرير؛ جامع البيان، دار الفكر، بيروت.

عبدالفتاح عبدالقادر، اشرف؛ الحجاب ليس فريضة اسلامية،  
(www.kwtanweer.com/articles/readarticle.)

عشماوى، محمد سعيد؛ حقيقة الحجاب و حجية الحديث ، چاپ اول، موسسه روز  
يوسف ، 2002م. ([www.exmuslim.com/books](http://www.exmuslim.com/books))

عقله، احمد؛ زى المرأة فى الاسلام، (www.knoooz.com)

فيض كاشانى؛ تفسير صافى، مكتبة الصدر، تهران.

القدال، محمد سعيد، الحجاب فى الخطاب القرآنى (www.alsahafa.info/index)

قرطبي؛ الجامع لاحكام القرآن، دار احياء التراث العربى، بيروت.

قمى، على بن ابراهيم؛ تفسير قمى، دار الكتاب للطباعة و النشر، قم.

كلينى، محمد بن يعقوب؛ الكافى، چاپ سوم، دار الكتب الاسلاميه.

مريسي، فاطمه؛ زنان پرده نشين و نخبگان جوشن پوش، نشر نى، تهران، 1380ش.

مسلم نيشابورى؛ صحيح مسلم، دار الفكر، بيروت.

نحاس؛ معانى القرآن، مركز احياء التراث الاسلامى، سعودى.

نسائى، السنن الكبرى، دار الكتب العلميه، بيروت.

واحدى نيشابورى؛ اسباب نزول الآيات، المكتبة الثقافيه، بيروت.

